

پس از گردهمایی عمومی دیالوگ در برلین و تلاش جمعی در انتشار مقالات و جمع‌بندی‌های آن، تدوین منشوری از توافقات در برنامه جلسات هفتگی اینترنتی قرار گرفت. در ادامه نیز بنا به ضرورت، گردهمایی حضوری دیگری سامان داده شد.

متن زیر در گردهمایی دیالوگ از یازدهم تا سیزدهم ماه مارس در مونیخ تدوین و به توافق همگانی حاضرین رسیده و پس از ویرایش نهایی به ایمیل لیست جمعی دیالوگ ارسال و مورد نظر خواهی عمومی قرار گرفته است. نسخه حاضر متن نهایی این منشور توافقات است.

## منشور توافقات شبکه ارتباطی دیالوگ

### مقدمه

ضرورت فراهم کردن بستری برای رشد و گسترش گفتمان‌های انتقادی و رویکردهای بدیل در فضای سیاسی حاضر، بنا نهادن شبکه‌ای ارتباطی و هماهنگ کننده را پیش روی ما نهاد؛ شبکه‌ای که با روند «سازمان‌یابی از پایین» حاصل شده و همکاری‌های داوطلبانه حول دغدغه‌های مشترک سیاسی را میان افراد و واحدهای مستقل سازنده خود امکان پذیر سازد. در تنظیم منشور توافقاتی که معرف پلتفرم مشترک و حداقلی این شبکه باشد، سعی بر آن بوده که از یک سو اصل سازگاری درونی برقرار بماند (همخوانی میان پرنسپ‌های کار جمعی با اهداف کلی و دغدغه‌های سیاسی مشترک) و از سوی دیگر مضمون این منشور خود بیانگر محدودیت‌ها و دشواری‌هایی باشد که در مسیر دستیابی به اصول و ارزش‌ها و دغدغه‌های مشترک برای بنیان نهادن یک فعالیت شبکه‌ای (به رغم تفاوت‌های واحدهای سازنده و با حفظ استقلال آنها) اجتناب ناپذیر است؛ محدودیت‌هایی که ضرورت‌های کار مشترک، نسل امروز را برای غلبه بر آنها به چالش می‌کشد. با این وجود باور ما بر آن نیست که چنین شبکه‌ای می‌تواند در مرز نامحدودی از تکثر سیاسی شکل بگیرد؛ بلکه تکثر دیدگاه‌های افراد و واحدهای سازنده‌ی شبکه به ناچار تا حدی است که اختلاف دیدگاه‌ها و جهت‌گیری‌های کلی در مرز تنافر نباشد، طوری که در عمل، بنا نهادن یک شبکه برای همکاری‌های مشترک و پیشبرد کار مشترک در چنین ظرفی امکان پذیر گردد. در عوض بر این باوریم که پویایی یک جامعه سیاسی که جهت‌گیری‌های مختلف و ناهمسویی را در خود حمل می‌کند، منوط است به وجود مجموعه‌ای از شبکه‌های فعال، نه یک شبکه جامع و فراگیر.

تاکید بر این نکته هم ضروری است که متن حاضر بیانگر پلتفرم یک حزب یا سازمان سیاسی معین نیست و تنها برآیند مشترک ارزش‌ها و دغدغه‌هایی است که افراد و جمع‌های تشکیل دهنده این شبکه ارتباطی بر سر آنها توافق کرده‌اند؛ به این اعتبار دیدگاه‌های مشترک طرح شده در این منشور، در سطحی کاملاً حداقلی بوده و فارغ از مصداق‌ها و رویکردهای معینی است که هر فرد یا واحد همکاری کننده بدان‌ها باور دارد. ناگفته پیداست که همچنان که این منشور خود محصول توافقات جمعی بوده است، تغییر آن نیز در مسیر تجربیات آینده، از بستر توافقات جمعی امکان پذیر و قابل تصور است.

در نهایت از نظر ما همه افراد و گروه‌هایی که با پرنسپ‌ها و دغدغه‌های طرح شده در این منشور همدلی و همراهی دارند، مخاطبان این منشور برای پیوستن و همکاری در این شبکه ارتباطی محسوب می‌شوند؛ چرا که رشد و گسترش این شبکه و دستیابی به اهداف آن، بی‌تردید نیازمند مشارکت وسیع‌تر و هماهنگ شدن بیشتر کنش‌های فردی و جمعی است.

## پرنسپ‌ها و ارزش‌های کار جمعی

### الف) جایگاه ویژه "فرد" و ارتباط آن با فعالیت‌های جمعی: (\*)

- 1) اهمیت جایگاه فرد و حضور و مشارکت خودانگیزه فردی در روند تصمیم‌گیری‌ها، به طوری که ساختارهای پیشبرد کار مشترک در تقابل با آزادی‌های فردی و آزادی عقیده و بیان و اراده افراد قرار نگیرد.
- 2) استقلال و خودمختاری افراد و جمع‌های تشکیل دهنده ظرف/شبکه مورد نظر نسبت به هم، در عین پاسخگو بودن نسبت به مسئولیت‌های پذیرفته شده.

3) داوطلبانه بودن شرکت در پروژه های جمعی و توزیع مسئولیت ها بر مبنای مشارکت داوطلبانه.

4) عدم ارزش گذاری میان واحدها/افراد به دلیل تقدم و تاخر حضور و فعالیت آنها در شبکه و به رسمیت شناختن حق خروج آزادانه افراد و گروهها از شبکه.

5) چرخشی بودن مسئولیت ها و پرهیز از ایجاد موقعیت ها و جایگاههای ثابت در حوزه های کاری و توزیع مسئولیت ها (به منظور رشد قابلیت های فردی و پرهیز از منجمد شدن ساختارهای اجرایی)

(\*منظور از "فرد" یک شخص و یا یک واحد مستقل می باشد).

ب) مشخصه های بنیادین کار جمعی در شبکه ارتباطی دیالوگ (برای همکاری های فرامحلی جوانان و دانشجویان):  
6) پایبندی کل شبکه و همچنین همه واحدهای سازنده آن به اصول دیالوگ جمعی و روابط غیر عمودی و حذف سلسله مراتب و پرهیز از زمینه سازی برای شکل گیری حلقه های درونی قدرت و روابط سلطه در درون شبکه.

7) اهمیت دادن به مسیر و پروسه به اندازه مقصد و هدف. به عبارتی قربانی نکردن پرنسیپ های انسانی و توافقات دموکراتیک جمعی در پای سرعت عمل برای رسیدن به اهداف مقطعی یا دراز مدت (محور بودن انسان)

8) فراهم کردن بستری انعطاف پذیر برای تمرین و پیشبرد کار جمعی در قالبی نوین و بر مبنای دیالوگ درونی و همکاری های داوطلبانه، که در عین حال قابلیت حرکت بر مبنای آزمون و خطا و به کارگیری بازخورد ها را دارا باشد. چنین بستری باید به پرورش و رشد خصلت ها و قابلیت هایی در افراد بیانجامد که پشتوانه کار گروهی بر مبنای امکانات و ملزومات گفتگوی جمعی باشد؛ [تدارک عرصه ای از کار جمعی که امکان بروز نوآوری ها و خلاقیت های فردی را فراهم کند و با پروسه یادگیری و آموزش تجربی برای افراد و واحدها همراه باشد. رشد قابلیت های فردی برای تفکر مستقل و انتقادی، بخشی از افق های این آموزش است که بی گمان به ارتقای کیفی کارکردهای این شبکه نیز می انجامد].

9) شفافیت در کارکردهای درونی و مواضع بیرونی. پرهیز از مصلحت کاری و خودسانسوری و همه ی مکانیزم های تضعیف کننده شفافیت کار جمعی.

10) سیالیت ساختارهای مورد توافق و امکان بازنگری نقادانه در ساختارها و توافقات پیشین.

11) مستقل بودن از نهادهای قدرت و عدم سمت گیری به سمت کسب قدرت و یا حمایت از طیف های جویای قدرت. در عوض منتقد قدرت بودن و سمت گیری به سوی گفتمان سازی و نقد و ارتقای گفتمان های انتقادی در حوزه سیاسی، با ترویج ملزومات تحقق «سیاست مردم» و اقدام در جهت عینیت بخشیدن به آن در حوزه های فعالیت.

12) عدم وابستگی مالی به نهادهای قدرت و پایبندی به ملزومات «خود بنیادی»:»  
- استقلال مالی و تاکید بر اصل خودبنیادی مستلزم جهت یابی برای درآمدزایی از امکانات و استعدادها و ظرفیت های موجود در شبکه است. همچنان که مستلزم برآورد دقیق از هزینه ها، برنامه ریزی صحیح برای مراحل اجرایی و بهره گیری خلاقانه از امکانات و منابع مالی موجود است.

- به طور کلی اجرای پروژه هایی که تامین منابع مالی مورد نیاز آن برای واحدهای مشارکت کننده و کارگروه اجرایی مربوطه امکان پذیر باشد اولویت دارد. به بیان دیگر، گزینش و تعریف پروژه ها در حدودی که نیازمند وابستگی مالی به منابع بیرونی نباشد.

-تاکید بر اصل شفافیت در منابع مالی و پروسه تهیه و مصرف آن در پروژه های اجرایی شبکه.

-در صورتی که پذیرش کمک از یک فرد یا موسسه یا نهاد مستقل (مانند NGO ها و نهادهای مشابه) در دستور کار قرار گیرد، رعایت پیش شرط های زیر ضروری است:

- کسب اطمینان از درج پیش شرط عدم دخالت در امور داخلی شبکه، از طرف سازمان ها و نهادهای احتمالی تامین کننده منابع مالی (مانند NGO ها و نهادهای مشابه)
- کسب اطمینان از در تضاد نبودن مواضع و اهداف و سیاست های منبع مالی مورد نظر با منشور شبکه و توافقات و اصول و دغدغه های سیاسی مندرج در آن.

(\*\*\*)منظور آن دسته ویژگی های اساسی و متمایز کننده ای است که این شبکه ارتباطی بر اساس آنها و برای تحقق آنها ایجاد شده است. به این دلیل این ویژگی ها خصلت هایی بنیادی برای این شبکه محسوب شده و از این لحاظ تا حدی ثابت می باشند.

### اهداف کلی

این حرکت در وهله اول برای ایجاد تغییر در فضای سترون ایرانیان خارج کشور، به ویژه در میان انبوه جوانان و دانشجویانی است، که در حوزه امور سیاسی -اجتماعی در وضعیت بی عملی یا دنباله روی انفعالی از ساختارهایی هستند که یا بر آنها تحمیل شده اند و یا در نبود انتخابی بهتر، به اجبار برگزیده شده اند. هدف ما تدارک بستری است که به پرورش و گسترش نگرش های انتقادی و گفتمان های بدیل بیانجامد. روند رسیدن به این هدف از دید ما پروسه سازمان یابی از پایین است که الگو و ساختار آن به لحاظ خصلت های مترقی و نوین خود، پتانسیل و زمینه های فراگیر شدن داشته باشد و به تغییر وضعیت مشارکت سیاسی بیانجامد. افق کلان این کار، کمک به روند مبارزه و مقاومت جمعی دراز مدت و دموکراتیک در سطحی گسترده است؛ شکل نوینی از کنش جمعی سیاسی که نه تنها به تغییر وضع موجود می اندیشد، بلکه به افراد درگیر در این مبارزه و به ماهیت دموکراتیک این پروسه نیز به عنوان هدف می نگرد و ارتقای آنان را پا به پای پیشبرد مبارزه و مقاومت در نظر می گیرد. این البته به معنای باور به گنجاندن همه این نیروها در یک تشکل واحد نیست، بلکه به معنای تکیه بر الگوهایی از کار جمعی است که ترویج عملی آنها به ایجاد و رشد این گونه تشکل ها و امکان همکاری میان آنها یاری برساند. به طبع سازمان دادن به یک مبارزه عمومی و مقاومت فعال و مترقی در سطح گسترده، مستلزم نوآوری های نظری و عملی، در عین پایبندی به ارزش های دموکراتیک است. این هدف تنها از طریق همراهی نیروهای میسر می شود که آزادی و برابری را ارزش هایی وابسته به هم و تفکیک ناشدنی می انگارند.

### دغدغه های مشترک سیاسی

در نگاه کلان این شبکه بخش اصلی تلاش های خود را در جهت کمک به ایجاد تغییرات بنیادی در وضعیت مردم و جامعه ایران از طریق بستر سازی برای رشد و تقویت گفتمان های بدیل سامان خواهد داد. این تغییرات بنیادی شامل تحقق همه آرمان هایی است که فقدان آنها نه فقط جامعه ایران، بلکه تمامی جوامع انسانی را در سطوح و مراتب مختلف تهدید می کند. آرمان هایی مثل: آزادی های فردی و اجتماعی و سیاسی، برابری و عدالت اجتماعی و دسترسی برابر شهروندان به امکانات رشد فردی و حمایت های اجتماعی، رفع مناسبات مبتنی بر تبعیض در تمامی سطوح آن (شامل تبعیض جنسیتی و تبعیض های برآمده از نوع علایق جنسی، رفع تبعیض های مبتنی بر نوع باورهای دینی، رفع تبعیض های نژادی و قومی و ....). بر این اساس این شبکه ارتباطی به طور کلی در تقابل با گفتمان های فراگیری است که پشتیبان ساختارها و مناسبات سلطه هستند و ستم و ستم را در سطوح خرد و کلان تولید و توجیه و بازتولید می کنند. در چنین بستری است که افراد و واحدهای سازنده این شبکه، شکل گیری و تقویت گفتمان هایی بدیل را ضروری می دانند و تلاش های خود را معطوف به کمک برای رشد و تقویت چنین گفتمان هایی خواهند ساخت.

### ساختار درونی شبکه و ساز و کار تصمیم گیری

#### الف) ساختار درونی و الگوی همکاری ها

1) این شبکه از افراد و واحدهایی تشکیل می شود که به مفاد کلی این منشور باور دارند، خواه در تدوین این منشور سهیم بوده و خواه در مراحل بعدی به آن پیوسته باشند. واحدها یا بلوک های تشکیل دهنده شبکه می توانند افراد، جمع ها و گروههایی باشند که در یک محدوده محلی یا در حوزه های فکری مشترک فعالیت دارند.

2) افراد و واحدهای سازنده این شبکه ارتباطی در استقلال از هم بوده و تنها به طور داوطلبانه حول پروژه های مورد قبول خود همکاری می نمایند. بدیهی است که داوطلبانه بودن همراهی با پروژه های پیشنهادی، منافاتی با مسئولیت پذیری و پاسخ گویی در پروژه های درگیر ندارد.

3) پروژه ها از سوی افراد یا واحدها به شبکه پیشنهاد شده و در صورت لزوم در مورد ضرورت آنها گفتگوی جمعی در می گیرد. نهایتاً افراد و بلوک های علاقمند، با پایبندی به توافقات منشور به اجرای مشترک آن پروژه اقدام می کنند. در این صورت این پروژه با نام مشخص افراد یا واحدهای درگیر در آن عرضه خواهد شد، با این توضیح که این افراد و واحدها به عنوان بخشی از شبکه ارتباطی دیالوگ معرفی خواهند شد.

4) در مواردی که مسأله ای به تغییر ساختار شبکه ارتباطی و یا ماهیت و جهت گیری های کلی آن مربوط شود، با بحث ها و تصمیم هایی مواجه خواهیم بود که مستلزم حضور و مشارکت همگانی است. در چنین مواردی اصل مشارکت داوطلبانه منافاتی با مشارکت مسئولانه در تصمیم گیری ها ندارد.

5) بخش هایی از الگو یا ساختار این شبکه ارتباطی تا زمانی که این شبکه فعالیت های بیرونی معینی را در پیش نگیرد و یا واحدهای اولیه تشکیل دهنده آن مشخص نگردد، به طور پیشینی قابل ترسیم نیست. نظیر روش ها و مجراهای طرح انتقادات و راههای طرح و دریافت بازخوردها / فیدبک ها؛ راههای نظارت جمعی بر نحوه پیشرفت پروژه ها و مسئولیت ها و میزان تحقق یافتن پایبندی های دموکراتیک و یا روش ها و مجراهای بازنگری توافقات و تصمیمات گذشته (گر چه وجود همه این موارد در ساختار درونی شبکه قطعی است).

#### **ب) ساز و کار تصمیم گیری**

1) پیش از هر چیز لازم است مشخص گردد حوزه مورد بحث و تصمیم گیری به کدام دسته تعلق دارد. موارد تصمیم گیری به دو حوزه کلی قابل دسته بندی هستند:

- موضوعاتی که به توافق عمومی (اجماع) نیاز دارند. در این موارد بحث های اقتناعی ملاک کار است نه رای گیری. برای مثال تدوین اصول و راهکارهای کلی نظیر منشور یا تصمیم گیری واحدهای مشارکت کننده در یک پروژه در مورد جهت گیری های کلی طرح.

- موضوعاتی که اختلاف نظرها بیشتر جنبه سلیقه ای دارند نه مبنایی و اصولی. نظیر تصمیم گیری در مورد کارهای اجرایی یا پیشبرد مراحل اجرایی پروژه ها. حتی در این موارد هم رای گیری باید پس از حدی از بحث های جمعی انجام شود، نه در ابتدا. (برای مرحله رای گیری، داشتن یک معیار عددی معین، به عنوان حداقل درصد آرا برای تصویب یک طرح/راهکار، ضروری است)

2) تلاش جهت به حداقل رساندن تصمیم گیری های جمعی برای کل شبکه ارتباطی و ارجاع تصمیم گیری ها تا حد امکان به درون واحدهای سازنده شبکه) هر چند حوزه هایی از تصمیم گیری قابل پیش بینی است که کل اجزای شبکه باید در تصمیم گیری شرکت نمایند)

3) از آنجایی که در بحث های اقتناعی رسیدن به هم نظری عمومی بسیار دشوار است، این امکان قابل پیش بینی است که مخالفان برای تسهیل پیشرفت کارها با حفظ موضع مخالف از نظر خود انصراف دهند. در این صورت، باید در آینده این امکان را برای آنها در نظر گرفت که برای دفاع از ایده/نظر خود فرصت کافی در اختیار داشته باشند تا نظر خود را بهتر و مستدل تر بیان کنند. طوری که بر اساس بازخورد این مباحثات، تصمیم گیری در موارد مشابه مورد بازنگری قرار گیرد.

4) در برخی موارد اجرایی که تصمیم گیری نهایی نیازمند دسترسی به اطلاعات محلی یا دانش فنی/تخصصی است باید نخست در مورد معیارها نظر سنجی شود و معیارهای مورد پذیرش/توافق تعیین گردد و سپس یک جمع داوطلب (یک کارگروه مشخص) بر اساس معیارهای مورد توافق درباره جزئیات فنی/اجرایی کار تصمیم گیری کنند.

5) در مورد برون دادهایی نظیر بیانیه ها و گزارش ها و اسناد مکتوب که در آنها تصمیم گیری با توافق عمومی انجام نمی شود، می بایست عدم توافق عمومی بر آن موضوع ذکر شده و رهافت های بدیل مربوط به آنها (که در اقلیت واقع شده اند) نیز قید شود.

6) باور به کار مشترک با در نظر گرفتن چندگانگی بینش ها و هویت های سیاسی به معنای آن است که برون دادهای این شبکه باید از سوی گروه ها یا واحدهایی معرفی شود که با اجرای آن پروژه/خروجی معین موافقت. ضمن اینکه در

برون دادها ذکر خواهد شد که این پروژه در بسته شبکه ارتباطی دیالوگ مطرح شده که نهایتاً این واحدها (یا این درصد از کل واحدها) این پروژه را اجرایی کردند. 24.05.2011 سایت دیالوگ